

تاریخ

www.ebtekarnews.com

شنبه
۱۳۹۵
۱۵دی
شماره۳۶۱۴



یادداشت

اصالت اثر و استراتژی زندگی

محمدعلی نویدی

اصالت اثر و اثریت، اولاً و بالذات یک تفکر و دیدگاه و نگرش است، و ثانیاً و بالتبع دارای اثر بر داد و استراتژی، و ثالثاً و بالبعین، واجد برنامه و راه کار و کاربست و عملکرد می باشد.

بنابراین، بحث از راهبرد در اینجا، بحث از منظر اصالت اثر و اثریت است، که هم شامل حوزه معرفتی در خصوص اثر و نسبت آن راه برد می باشد، و هم شامل بحث مدیریتی و نسبت اثریت و استراتژی می شود؛ پس، این تحقیق و پژوهش و تحلیل کوتاه از زاویه دید سیاسی یا نظامی یا اقتصادی یا فرهنگی و اجتماعی صرف نیست، اگرچه بحث از اثر و اصالت اثریت، لاجرم و بالذات، معطوف به تمام عرصه ها و میدان های گفته آمده نیز می گردد؛ از دیدگاه اصالت اثر، استراتژی هم در حوزه تفکر و اندیشه مطرح است و هم در قلمرو، علم و دانش تخصصی، و هم در سپهر هنر و عمل و برنامه و عبینیت و کاربردها؛ راهبرد، نمود و نشان طرز فکر و نوع و شیوه عمل و نقشه و برنامه راه و فعل می باشد؛ بدین سان، استراتژی شامل تاکتیک ها و فن ها و تکنیک ها و شیوه های برنامه ریزی و انحاء انجام کارها است.

” strategy : the science and art of employing the political , economic , psychological , and military forces of a coutry so as to supported adopted policies in peace or war “
webster’s dictionary

اینک به برخی از مختصات و مشخصات استراتژی از منظر اصالت اثر می پردازیم و به واکاوی و بررسی می نشینیم.

۱- شناسایی و شناخت و آگاهی از نیروها و توانمندی و توانش ها و نقش و اصالت اثرها، مثلاً، فقر در جوامع را در نظر بگیریم که خود یک واقعیت تلخ و دون شأن زندگی انسان و انسانیت است، یکی از ریشه های فقر، عدم آگاهی از توان ها و قوت ها و اثرگذاری ها در زندگی است، مثل، موقعی که بسیاری از جوامع روی مخازن نفت سکننا گزیده بودند، ولی از اثر و اثرمندی آن خبر و آگاهی نداشتند، مثل، حالا، که بسیاری از جوامع نفت و سایر مخازن و معادن طبیعی و خدا دادی را کشف کرده اند و در فقر و تنگنایی و رنج به سر می برند؛ پس، شرط اول و اصل اول در اتخاذ استراتژی و راه برد درست در زندگی و معطوف به اثرشناسی، علم و معرفت از توانایی ها و استعداد ها و نیروها و سرمایه ها است.

۲- اصل دوم در راه برد درست با نگرش اثریت، به کارگیری و کاربست توانایی ها و قوه ها و منابع اثر است، به تعبیر دیگر، بعد از شناخت مراجع و منابع و توان ها و اثرها، نحوه به فعلیت رساندن و شکوفات کردن آن، اهمیت دارد، مثلاً، اگر جامعه ای از وجود ذخایر و معادن و منابع و سرمایه های طبیعی مطلع باشند، اما نحوه استفاده و بهره مندی از آنها را ندانند و تیرسند و تجربه نداشته باشند و آمادگی دانش و تجربه اندوزی نیز در خود فراهم نکنند، نمی توانند از فقر رهایی یابند، یعنی، تنها داشتن ذخایر و نفت و گاز و معادن و مخازن کافی برای تدوین استراتژی و راه بردن زندگی نیست، زندگی به عمل و کاربستن نیروها و اثرها و اثرزی ها، محتاج و حاجت مند است.

۳- از جمله مراحل و مراتب راه برد دانی و استراتژی شناسی از نظر اصالت اثر، تعیین و تبیین اهداف و غایات و غرض ها و چشم اندازهای زندگی است، مثلاً، جامعه ای که از فقر و بدبختی معیشتی رنج می برد، و چشم و انتظار گذران زندگی روزمرگی را دارد و تنها هدفغذای ژنده ماندن و حیات داشتن است، هرگز به هدف های متعالی و منترقی و فرهنگ و تمدن سازی نمی اندیشد، تعریف و توضیح و تحلیل اهداف و مقاصد از مراحل اصلی تدوین راهبرد و راهنما در زندگی است، تعیین هدف ها سبب تجمیم همت ها و اثرها در پیش برد امور و کارها خواهد بود، هیچ جامعه ای و کشوری از خلأ و از آسمان فقیر با غنی، دارا و یا نادر، مرفه و یا نهی دست، ثروتمند و یا تنگ دست و بی ثروت، نیازنده است، این فکر و اندیشه و علم و عمل هر فرد و جامعه است که تأثیر گذار است.

۴- هم سازی و سازگاری و ایجاد ارتباط وجودی و اثری بین اهداف و توانش ها در عرصه عمل و صحنه زندگی یکی دیگر از اصول طراحی و تدوین راه برد ها و استراتژی ها در زندگی واقعی است، گویی، زندگی از تحرک و فعالیت و جنبش و شکوفایی توان ها و اثرها شروع می شود و با وساطت و وسایل و کارکردها و سازگاری و مطابقت آن اثرها و منبع ها با اهداف و اغراض به پیش می رود، مثلاً، راهبی از فقر، چه فقر مادی و چه فقر معنوی و عقلی، نیاز به فہم مناسبت و موافقت منبع و مأخذ با مقاصد و مقصودها دارد، جامعه ای که دخل و خرجش سازگار نباشد، بالطبع بسوی فقر و فقرها و ارتجاع پیش خواهد رفت، این قاعده قابل تعمیم و تسری به سایر حوزه ها و قلمرو ها است، مثلاً، جامعه ای که نیروهای مستعد و نخبه آن به سایر کشورها پرواز کنند و وطن در غیر زادگاه خود بچوبند، دچار فقر نیروی انسانی اثرگذار و مستعد و مناسب و معقول خواهد بود.

۵- یکی دیگر از اصل های تدوین و تعمل راهبردها و اثرمندی آنها در زندگی، تولید پیوسته اثر و اثریت، و نقش و نگار و نشان و توان و خیر و نیکی در زندگی است؛ یعنی، زندگی به تولید راستی و درستی و حق و حقیقت نیاز ذاتی و فطری دارد، در واقع، تولید امر حق و معقول و راهنمای درست زندگی، از شروط بنیادی استراتژی ها و راهبردهای زندگی است، مثلاً، اگر راهنمایی درست و علایم دقیق برای حرکت در یک مسیر نباشد، مسافر و راه رز، گم راه و بیراه می شود، راه برد، گویی، دست گرفتن و نشان دادن و افق نمایاندن و نور تاباندن و روشنی بخشی، به راه ها و طرق رفتن است؛ اگر جامعه ای بخواهد از فقر نجات پیدا کند، لابد، با بهره مندی از خرد و هوشمندی و تجربه و دانش و تعالیم خاص، به تولید اثرها و نقش ها و حقایق نافع نیاز دارد، بدون این پارامتر و رکن، راه بردها یوایی نخواهند داشت.

۶- یکی دیگر از اصول و اثرکان تدوین و عمل به راهبردهای معطوف به اثر در زندگی، دفع حرج و تنگی و سختی و موانع و آفات و آسیب ها و مزاحمت ها است، اگر در پی و تصمیم به انبار کردن گندم هستیم " به قول مولانا" شرط اول دفع موش و موش ها و موریانه ها است، موانع و آفت ها، راهبرد ها را عقیم و ایتر می سازند، زیرا، سد راه و منع مسیر و مقصد می کنند و مضافاً، اینکه انباشته و اندوخته را رازایل و ضایع می گردانند، فقر با ثروت اندوزی و سرمایه سازی بدون رعایت قناعت مندی و مصرف درست، ره بجایی نمیرسد یعنی، در حصول محصول، تنها کاشت کافی نیست، بلکه دانست نیز یک مرحله و مرتبه کلیدی و حیاتی است، راهبردها و استراتژی های زندگی و اثرها، اگر در حوزه ایجایی بسی درخشان و تابان باشند، اما، در میدان عمل دچار آسیب و آفت گردند، تاب و توان از کف می دهند.

۷- تولید راهبردها و اثرمندی زندگی با تربیت و پرورش استعدادهای درخشان و استراتژیست‌های اثرشناس و راهبرد‌یست های زندگی، نیست وجودی و ماهوی دارد یعنی، رشد عقلانی آدمیان و احاد اجتماع شرط راهبرد زندگی است، فقر ریشه در فقر فکری و قدرت اندیشیدن و مدیریت کردن و تدبیر ورزیدن و صلاح دانستن و اصلاح کردن و تغییر دادن و نو آوری کردن و کارآفرینی نمودن و راه گشودن و زندگی پیش بردن دارد، رشد عقلانی و پرورش فکری، به تصور صاحب این قلم، ضرورت نخستین راه برد اثربخش و تأثیرگذار زندگی است، قفل و بسته بودن و مشلق گشتن فکرها و اندیشه ها و عمل ها، از فقر و خشکی و تنگی جان ها و فقدان رشد عقلانی است، زندگی فلاح مند و صلاح مند، حاصل جامعه ی خرمدند و اثرمند است .

۸- راه برد زندگی، یعنی، گشایش و گشودن قفل های زندگانی و حیات اجتماعی، این گشایش در زندگی، در حقیقت، تقرب و کشیدگی و برشودنگی به سوی هدف های بلند و متعالی و مترقی زندگی است، یعنی، وسعت یافتن زندگی و منسبوت گشتن امور مختلف آن با توسعه و وسعت انسان ها و شهروندان شدنی و محقق گشتنی است، تولید تدابیر و چاره اندیشی ها و چاره سازی و سیاست اندیشی ها و راه یابی ها، با تولید اثر ها و اثربخشی نمودن های امور واقعی زندگی امکان پذیر است، زندگی، زندگی انسان ها و آدمیان است، بنابراین، انسان های توسعه یافته و عقل ورزیده، زندگی اثرمند و اثربخشی می سازند.

گروه اندیشه و تاریخ – علیرضا صدقی: روزنامه «وقایع

اتفاقیه» به عنوان نخستین روزنامه دولتی ایران چهارده سال پس از روزنامه کاغذ اخبار، به کوشش «میرزا تقی خان امیر کبیر» و در سومین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، منتشر شد. اولین شماره این روزنامه به تاریخ ۱۸ دی ماه سال ۱۲۲۹شمسی بدون اشاره به نام وقایع اتفاقیه و فقط با عنوان «روزنامه اخبار دارالخلافه تهران» انتشار یافت که در صفحه اول آن علامت شیر و خورشید و عبارت «اسدالله الغالب» نوشته شده بود. در دو طرف آن هم تصویر دو درخت به چاپ رسیده بود.

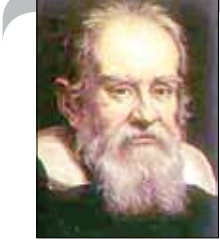
درخصوص دلایل انتشار این روزنامه توسط دولت شاهنشاهی قاجار، آمده است: «ز آنجا که همت حضرت اقدس شاهنشاهی مصروف تربیت اهل ایران و استحضار و آگاهی آنها از امورات داخله و وقایع خارجه است لهذا قرار شد هفته به هفته احکام همایون و اخبار داخله مملکتی و غیره را که در دول دیگر گارت می‌ماند در دارالطباعه دولتی زده شود و به کل شهرهای ایران منتشر گردد که اهالی ممالک ایران نیز در هر هفته از احکام دارالخلافه مبارک و غیره اطلاع حاصل نمایند و از جمله محسنات این گزارت یکی آن که سبب دانایی و بینایی اهالی این دولت علیه است دیگر اینکه اخبار کاذبه لاراجیف که گاهی برخلاف احکام دیوانی و حقیقت حال در بعضی از شهرها و سرحدات ایران پیش از این باعث اشتباه عوام این مملکت می شد بعد از این به واسطه روزنامهچه موقوف خواهد شد و بدین سبب لازم است که کل انمای دولت ایران و حکام ولایات و صاحب منصبان معتبر و رعایای صادق این دولت روزنامه را داشته باشند و بر حسب قرارداد فوق در یوم جمعه پنجم شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۴۷ به این کار شروع شد و مباشر این روزنامه به هر کس که طلب باشد هفته به هفته خواهد رساند.»مسئولیت مدیریت این روزنامه را «حاجی میرزا جبار نظام المہام» معروف به «مذکره چی» به عهده داشت. مترجمی روزنامه با «دواد برجیس» انگلیسی بود و محرر روزنامه «میرزا عبدالله» بود که روزنامه را به خط خوش نستعلیق می‌نوشت. روزنامه در چاپخانه «حاجی عبدالمحمد» واقع در دروازه دوآب تهران چاپ می‌شد.

روزنامه وقایع اتفاقیه در قطع بزرگ، بر روی کاغذ خوب با خط نستعلیق درشت و هر صفحه دارای دو ستون به چاپ می‌رسید. شیر و خورشید زیر یک طاق هلالی بر صدر صفحه اول جای می‌گرفت و در فضای دو طرف طاق (بعد از انتشار چند شماره) مشخصه‌های روزنامه نوشته می‌شد. در سمت راست محل فروش روزنامه و در سمت چپ، قیمت تک شماره، سه ماهه، شش ماهه و یک ساله و قیمت اعلامات به چاپ می‌رسد. بالای طاق در یک طرف ضخم تاریخ انتشار با قلم درشت تر نوشته می‌شد و زیر شیر و خورشید در سطر ی دیگر عبارت «اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی» را می‌نوشتند. در بخش اخبار داخله، اخبار دارالخلافه تهران، سایر ممالک محروسه یا سایر دوآب تهران چاپ می‌شد.

روزنامه وقایع اتفاقیه بر قطع بزرگ، بر روی کاغذ خوب با خط نستعلیق درشت و هر صفحه دارای دو ستون به چاپ می‌رسید. شیر و خورشید زیر یک طاق هلالی بر صدر صفحه اول جای می‌گرفت و در فضای دو طرف طاق (بعد از انتشار چند شماره) مشخصه‌های روزنامه نوشته می‌شد. در سمت راست محل فروش روزنامه و در سمت چپ، قیمت تک شماره، سه ماهه، شش ماهه و یک ساله و قیمت اعلامات به چاپ می‌رسد. بالای طاق در یک طرف ضخم تاریخ انتشار با قلم درشت تر نوشته می‌شد و زیر شیر و خورشید در سطر ی دیگر عبارت «اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی» را می‌نوشتند. در بخش اخبار داخله، اخبار دارالخلافه تهران، سایر ممالک محروسه یا سایر

گروه اندیشه و تاریخ – علیرضا صدقی: روزنامه «وقایع

اتفاقیه» به عنوان نخستین روزنامه دولتی ایران چگوننه منتشر شد؟
و این چنین «اتفاق» افتاد



سالمرگ گالیله

گالیله Galileo Galilei فیزیکدان، فضا شناس، فیلسوف و دانشمند بزرگ قرون جدید و سازنده تلسکوپ هشتم ژانویه سال ۱۶۴۲ میلادی درگذشت. وی در ۱۵ فوریه سال ۱۵۶۴ در پیسای ایتالیا به دنیا آمده بود. گالیله که در دو دانشگاه در ایتالیا تدریس کرد پس از ساختن تلسکوپ و اطلاق این واژه بر آن، قمرهای سیاره مشتری را با آن کشف کرد. ابتکار روش تجربی برای تحقیقات علمی نیز از اوست. درگیری گالیله با مقامات وقت کلیسای کاتولیک فصلی از تاریخ آن زمان اروپا را تشکیل می دهد. گالیله اعلام کرده بود که زمین و ستارگان در مداری مشخص به دور خورشید می چرخند.

نخستین روزنامه دولتی ایران چگونه منتشر شد؟

و این چنین «اتفاق» افتاد



روزنامه وقایع اتفاقیه تا شماره ۴۷۰ (سال۱۲۳۹شمسی) با همان عنوان منتشر شد اما در شماره ۴۷۱ با نام «روزنامه وقایع» منتشر شد و از شماره ۴۷۲ به بعد «روزنامه دولت علیه ایران» نام گرفت. یک نمونه از اخبار خارجی منتشر شده در این روزنامه به نقل از شماره ۲۰ (۱۹ شعبان ۱۲۴۷ قمری) به شرح فوق است: «اول کسی که چرخ باسمه اچلأ در فرنگستان ساخت از آن هزار روزنامه در ساعت درآورد. خیال می‌کرد که کار بزرگ کرده است… بعد از آن همان شخص چرخ دیگر به طوری ساخت که در یک ساعت سه هزار روزنامه از او بیرون آورد … در این روزنامه‌ها نوشته‌اند که روزنامه نویسان نیویارک آنپیورک[ینگی دنیا چرخنی ساخته است که ساعتی ۲۰هزار روزنامه از او بیرون می‌آید.»

انتشار «وقایع اتفاقیه» از آن جهت مهم است که بخشی از اولین‌های روزنامه‌نگاری در ایران به این روزنامه متعلق است. این جریده اولین روزنامه دولتی ایران، اولین سرویس حواث و اولین آگهی را در عرصه مطبوعات ایران به وجود آورد. یکی از دلایل توفیق این روزنامه را می‌توان حضور امیرکبیر در راس آن به ویژه در آغاز راهاندازی، دانست. از دیگر نقاط برتری این روزنامه، استفاده از بودجه دولتی و حمایت‌های مالی دولت در ابعاد و جهات مختلف بود. هم‌زینه‌های روزنامه توسط دولت شاهنشاهی پرداخت می‌شد و هم‌ولت‌مدانی که بیش از ۲۰۰ تومان حقوق ماهیانه داشتند، موظف بودند تا مشترک این روزنامه باشند. به هر روی، وجه تاریخی «وقایع اتفاقیه» از اهمیت قابل ملاحظه‌ای نزد پژوهش‌گران تاریخ برخوردار است.

کبیر مقرر کرده بود که روزنامه را به محض چاپ به چاپخانه‌ها بفرستند و از آنجا سهم شهرستان ها به مراکز استان فوری ارسال شود. سهم تهران را هم در دفتر ویژه ای، به نام هر کس مشخص می‌کردند و به دست او می‌رساندند.

اولین آگهی‌های بازارگانی –اعلان– در روزنامه وقایع اتفاقیه چاپ شد. در شماره ششم (۱۷جمادی الاول ۱۲۴۷قمری) به آگهی فروش اجناس فرنگی در نزدیکی سفارت انگلستان برمی‌خوریم که برای جلب نظر جملاتی نظیر: «اعلاست و تازگی دارد» و «بعضی تا به حال در این ولایت هیچ نیابوده بوده» در آنها قید شده بود. آن اجناس فرنگی متعلق به فردی به نام «حسیو روجیاری» بود و شامل اقدام مصرفی چون زنجیر ساعت، دستبنده مینز و صندلی، ساعت، چینی، شمع، باروت، چتر، جعبه موزیک و… بود. این نخستین آگهی شناخته‌شده در مطبوعات ایرانی است.

این روزنامه جمعا۴۷۱ شماره منتشر شد که ۴۰شماره آن در عهد امیر کبیر بود. انتشار چهل و یکمین شماره آن فرمان عزل امیر از صدارت تا به شرح زیر در برداشت:

«سر کار اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی به اقتضای رای جهان آرای ملوکانه صلاح و حرفه ملک و دولت و خیر و ثواب امور سلطنت دار در این معین ملاحظه فرمودند که میرزا تقی خان را از پیشکاری دربار همایون و مداخله در امور داخله و خارجه و منصب امرات نظام و لقب اتابکی و غیره ذلک و کل اشغال و مناصبی که باو محول بود به کلی خلع و مغزول فرمایند.»

ولایات (با اسم، مثلاً ایالت فارس، خمسه، رنجان و…) و بعد احوالات متفرقه و غیره درج می‌شد. در بخش احوالات متفرقه اخبار ترجمه شده را از مطبوعات خارجی می‌گنجاندند. غیر از اخبار شاه، تصمیم های دولتی، جابه‌جایی‌های نظلی و اعلامیه‌های دولتی، این روزنامه را باید بیشتر بخش «حوادث» در مطبوعات ایران دانست. حوادث درج شده در روزنامه از همه نوع بودند، از وقوع معجزه تا آتش سوزی، از سرفت تا کلاهبرداری و از دعوا تا خرمن سوزی.

تیرهای کلی مثل امورات تجاری، اخبار اردوی همایونی، امورات قشون، احوال دول خارجه هم در روزنامه دیده می‌شدند. زیر احوال دول خارجه در بسیاری از شماره‌ها، اخبار کشورهای خارجی، زیر نام آن کشور که با قلم درشت تر از متن نوشته می‌شد، جای می‌گرفت. روزنامه وقایع اتفاقیه تا شماره شانزده روزهای جمعه و از آن به بعد روزهای پنجشنبه در چهار صفحه و اغلب در شش صفحه و گاهی در هشت و به ندرت در دوازده صفحه منتشر می‌شد. قلم نگارش روزنامه بدون آرایش و پیچش است تا به راحتی خوانده شود، همچنین نثر روزنامه ساده، بدون صنایع لفظی و در حد خود بسیار روان است.

قیمت هر شماره از روزنامه وقایع اتفاقیه ۱۰ شاهی بود و وجه اشتراک سالیانه آن ۲۴ قران و اشتراک آن برای حکام، مباشران، اعیان و تجار اجباری بود. امیر کبیر (تا قبل از عزل از مقام صدارت) دستور داده بود که هر کس از دستگاه دولت ماهیانه ۲۰۰ تومان حقوق می‌گیرد باید مشترک این روزنامه باشد.

شبکه توزیع روزنامه نسبت به زمان خود، فعال و پسامان بود. امیر

از وقایع اتفاقیه تا دارالفنون

سرمایه‌گذاری جهت تکمیل ساختمان‌ها، تشویق و اهدای جوایز به دانشجویان موفق و… چنین اقداماتی توانست بر دامنه فعالیت دارالفنون بیفزاید.

روزنامه «وقایع اتفاقیه» درباره دارالفنون ۱۵ گزارش مفید ارائه می‌دهد که شش گزارش آن به‌طور مستقیم در مورد شاه و ارتباط او با دارالفنون است. از این تعداد ۵ گزارش مربوط به بازدید شاه از روند تدریس در دارالفنون و یک گزارش نیز درباره حضور معلمان دارالفنون در کاخ شاه است.

در اولین گزارش این روزنامه، خیر آمدن معلمان مدرسه و معرفی آنان چنین آمده است: «موسوی جاد داد توسط دولت ایران به وینیه، پایتخت استریه فرستاده شد، که وی از آنجا معلم و صاحب منصب بیایورد. این روزها او چند نفر را با خود به تهران آورده است» و در ادامه گزارش، صاحب منصبان را چنین معرفی می‌کند:

- موسوی بارون کروماتسو، معلم بیاده
- موسوی اوکشت کی ژپرد، معلم توپخانه
- کولوسپو، معلم هندسه
- نمرد، معلم سواره نظام
- دکتر بولاک، معلم اطباء و جراحان
- چاتوپا، معلم معدنیچی

- کاکوتی، معلم دوآت ساز

این روزنامه در شماره دیگری هدف از تأسیس دارالفنون را چنین ذکر کرد: «در از رک دار الخلافه تهران در علمای بزرگ و خوبی جهت تعلیم و تعلم می‌سازند که منظور اعلیحضرت از ساختن آن این است که اطفال این دولت، علومی را که در ایران وجود دارد فرا گیرند. اعلیحضرت برای شروع به کار مقرر فرمودند که ۳۰ نفر از اطفال خواین و معتبرین معین شوند که نزد آنان مشغول تعلیم و تربیت شوند و علومی را که در بعضی از کشورها متداول

مشروطه‌خواهی از جنس علما



نرسید طباطبایی در تهران، مدرسه‌ای با عنوان مدرسه مبارک اسلام، در سال ۱۳۱۷ ق. تأسیس کرد و برادرش سیدسیدالله طباطبایی را به عنوان رییس مدرسه انتخاب کرد و سرپرستی آنجا را به فرزند خود محمدصادق طباطبایی سپرد و میرزا محمد کرمانی را به عنوان ناظم آن برگزید. میرزا محمد، بعدها به مناسبت این مسئولیت و بنابه پیشنهاد سید محمد صادق طباطبایی، به ناظم الاسلام‌شهرت یافت. می‌توان گفت، سیدمحمد طباطبایی زندگی سیاسی خود را متأثر از فعالیت‌های سیاسی سیدجمال‌الدین اسدآبادی آغاز کرد. هنگام حضور سیدمحمد طباطبایی در سامرا، وی با سیدجمال مکاتباتی داشت و سیدجمال‌الدین نیز از لندن با ارسال نامه‌هایی، طباطبایی را برای ورود به ایران و رهبری جامعه اسلامی ترغیب می‌کرد.

سیدجمال‌الدین اسدآبادی بعدها به ایران آمده و مدتی در ایران ساکن بود، اما در همین مدت آماج حملات ریز و درشت قرار گرفت و هر کس که به نحوی با وی ارتباطی داشت، از این موج در امان

نماند. سیدمحمد طباطبایی هم به جرم دوستی با سیدجمال متهم

شد؛ بدان حد که دربرایان، مردم را از مصاحبت با سیدمحمد برحز

می‌داشتند طباطبایی از ازگان مهم مشروطیت ایران و از موسسان آن

است. او مدعی است که از اول ورود به تهران، در صدد تأسیس مجلس

شورای ملی و ایجاد عدالتخانه بوده است، عدالتخانه‌ای که بعدها به

مشروطه تغییر یافت. ناصرالدین شاه از این سلیق سید ناراضی و غالباً

گلهمند بود. سیدمحمد طباطبایی تا انتها جریان انقلاب مشروطه با

آن همراه بود و از گلایه‌مندی شاه هراسی نداشت. تا اینکه با همراهان

موفق شد حکم مشروطه را از مظفرالدین شاه دریافت کند.

پس از درگذشت مظفر الدین شاه، فرزندش محمدعلی میرزا بنای

^[1] سید محمد طباطبایی در تهران، مدرسه‌ای با عنوان مدرسه مبارک اسلام

^[2] سید محمد طباطبایی در تهران، مدرسه‌ای با عنوان مدرسه مبارک اسلام

^[3] سید محمد طباطبایی در تهران، مدرسه‌ای با عنوان مدرسه مبارک اسلام